

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

تحلیل چند مؤلفه پایداری در آثار شاعران پایداری (دعوت به جهاد،

ستایش آزادی، مهدویت و پیروزی و...) * (علمی- پژوهشی)

محمود آقاخانی بیژنی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات مقاومت فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر اسماعیل صادقی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر جهانگیر صفری

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

پایداری، واکنش طبیعی و ذاتی انسان در برابر نیروهایی است که او را به چالش می کشند و موقعیت، منافع و ارزش های او را به خطر می اندازند. هدف این پژوهش، چگونگی به نمایش گذاشتن و ترویج مولفه های پایداری در اشعار شاعران پایداری است؛ همچنین دلایل توجه به این مولفه ها بیان می شود. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. از مهمترین مولفه های ادبیات پایداری، می توان به دعوت به مبارزه و جهاد، ستایش آزادی و آزادگی، نوستالژی بازگشت به وطن و پیروزی موعود اشاره کرد. بسیاری از شاعران پایداری به بررسی این مولفه ها می پردازند و سعی می کنند به توصیف گرایش قومی به صلح و عدالت محوری پردازند. از این پژوهش این نتیجه به دست آمد که توجه هر چه بیشتر به مولفه های پایداری، باعث ترویج صلح و عدالت - محوری می شود. همچنین زنده نگه داشتن یاد شهدا، حفظ فرهنگ عاشورا و مهدویت،

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

aghakhani46@yahoo.com

sadeghiesma@gmail.com

Safari_706@yahoo.com

ریشه در قدرت، صبر، استقامت و مبارزه با کفر دارد. این عوامل در مجموع مقاومت جامعه را بالا می‌برند و باعث تحرك و پویایی جامعه می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، مولفه‌های پایداری، فرهنگ عاشورا، وطن-ستایی، مهدویت، آزادی.

۱- مقدمه

پایداری یکی از واقعیت‌های مهم زندگی بشری و محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است. بدون شك، نام این رویداد عظیم «جنگ» است. «جنگ ادامه سیاست و عملی خشونت‌آمیز است که هدفش وادار کردن حریف به اجرای خواسته‌های طرف دیگر است؛ بنابراین، مفهوم جنگ در عمل، رودرویی سازمان یافته دو یا چند دولت بر سر اهداف از پیش تعیین شده است» (تندر و صالح، ۱۳۸۲: ۱۶).

از دیرباز، دغدغه دست‌یابی به زندگی معنادار، یکی از اساسی‌ترین نگرانی‌های آدمی بوده است و در هر مقطعی که توانسته پاسخی برای آن بیابد؛ زندگی پویا داشته و آنگاه که از درك این مهم ناتوان گشته؛ رو به پوچی و بی‌معنایی نهاده است. انسان، موجودی هدفمند است و زندگی‌اش در صورتی معنا می‌یابد که هدف واقعی‌اش را بشناسد و به دنبال آن برود. گاهی ممکن است هدف زندگی با معنای زندگی در يك مسیر قرار بگیرند؛ اما در واقع، هدف زندگی غیر از معنای زندگی است. حال اگر کسی هدف زندگی خود را تشخیص داده باشد، برای رسیدن به آن باید از موانعی عبور کند تا به هدفش دست یابد. بررسی این امر نشان می‌دهد که تضاد و تناقض در زندگی که به تبع دخالت غیر یا نیروهای مخالف به وجود می‌آید، باعث ایجاد واکنش از سوی افراد و منجر به «نبرد یا جنگ» می‌شود (ادیبی سده، ۱۳۸۱: ۳۲). این نبرد می‌تواند مابین انسان با خود، هم‌نوع خود، با طبیعت و مظاهر آن و... باشد.

شاعران و نویسندگان ادبیات پایداری، تحت تاثیر درد مشترک، تلاش می‌کنند تا مهمترین مولفه‌های پایداری را در آثار خود منعکس کنند و به این طریق مردم را

در راه مبارزه با اهداف عالی زندگی خود تشویق کنند. شاعران پایداری کشور اسلامی ایران، ضمن همدردی با سایر مردم ستمدیده جهان، به مهمترین مولفه‌های پایداری با تکیه بر مبانی اسلامی - اعتقادی می‌پردازند و مردم را نسبت به استکبار جهانی بیدار کرده و به جهاد در راه خدا، ترویج فرهنگ ایشار و روحیه شهادت - طلبی، تشویق و تحریک می‌کنند.

شاعران انقلاب اسلامی به تاثیر از جنگ تحمیلی و تحت فرمان‌های اسلامی و منش ایرانی، به مضامین پایداری روی آورده‌اند و تلاش کرده‌اند با یادکرد شهدای عاشورا (حفظ فرهنگ عاشورا)، یاد و خاطره شهدای دفاع مقدس را زنده نگه دارند و به نوعی به مقابله با جنگ فرهنگی دشمن برخیزند و از آرمان‌های اسلام و انقلاب دفاع کنند.

هدف این پژوهش، چگونگی به نمایش گذاشتن و ترویج مولفه‌های پایداری در اشعار شاعران پایداری و تحلیل این مولفه‌ها در اشعار این شاعران است تا دریابیم که شاعران چگونه با به تصویر کشیدن این مولفه‌ها، صلح و عدالت محوری را با تکیه بر عناصر مهمی چون ادبیات پایداری، حفظ فرهنگ عاشورا و مهدویت ترویج می‌کنند.

در این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی برای تبیین موضوع مورد نظر استفاده شده است و نتایج آن مبتنی بر رویکرد تحلیل مولفه‌های پایداری و به شیوه کتابخانه‌ای است. در این راه، ابتدا از منابع و اسناد کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر استفاده، و سپس مطالب را تجزیه و تحلیل کرده‌ایم.

۱-۱- پیشینه پژوهش

در خصوص مقوله مقاومت و پایداری در شعر، تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است که برای نمونه به ذکر چند مورد بسنده می‌شود: «جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی» از عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی، نشریه ادبیات پایداری، سال دوم، شماره ۳ و ۴، بهار ۱۳۹۰؛ «استقامت و پایداری در قرآن» از سیدمحمد میرحسینی، حامد مرتضی قاسمی و مسعود شاورانی، نشریه ادبیات پایداری، سال دوم، شماره ۳ و ۴، بهار ۱۳۹۰، «بررسی رجز در

کربلا به عنوان خاستگاه ادبیات پایداری» از سیدمحمدرضی مصطفوی‌نیا، صالح معصومی و محسن مدنی‌نژاد، نامه پایداری، به کوشش: احمد امیری خراسانی، کرمان: گرا و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. با در نظر گرفتن وسعت پژوهش‌های انجام گرفته در باب شعر پایداری، در خصوص بررسی مؤلفه‌های پایداری در شعر شاعران پایداری با نگاهی نو با تکیه بر محوریت صلح و ترویج آن بر اساس ادبیات پایداری، فرهنگ عاشورا و مهدویت، تحقیقات کمی صورت گرفته است. بنابراین نوشته حاضر کوششی در جهت شناسایی جنبه‌های پایداری در شعر شاعران پایداری از منظر ترویج صلح و عدالت‌محوری است.

۲- بحث

۲-۱- تحلیل مؤلفه‌های پایداری در آثار شاعران پایداری

در کنار دو جریان مرگ و زندگی، یکی از برترین ویژگی‌های هنر انسانی، این است که با توجه به شرایط مکانی و زمانی، دست به خلق اثر می‌زند که باعث بسیج جمعی در برابر سلطه می‌شود. برای به وجود آمدن ادبیات پایداری، می‌بایست زمینه‌ها و عواملی وجود داشته باشند. مهمترین عوامل عبارتند از: استبداد و اختناق داخلی، عدم آزادی بیان، حاکمیت ضد مردمی، غصب سرزمین و سرمایه‌های ملی، توهین به اعتقادات و ارزش‌های یک ملت یا قوم اعم از دینی و غیردینی (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۱۹). در خلال چنین مواردی است که ادبیات پایداری به وجود می‌آید و دیگران از طریق همین نوشته‌ها با جنگ، مقاومت و صلح بین ملت‌ها آشنا می‌شوند.

از نظرگاه علمی، ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی با زبانی هنری (ادیبانه) سخن می‌گوید (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۸). صرف‌نظر از ویژگی‌های کلی این نوع ادبیات، آنچه وجه ممیزه ادبیات پایداری با سایر مقوله‌های ادبی است در پیام و مضمون آن نهفته است. این آثار، ضمن القای امید به آینده و نوید دادن پیروزی موعود؛ دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، ستایش آزادی و آزادگی، ارج نهادن به سرزمین

مالوف و شهیدان و جانباختگان وطن را در بطن خود دارد؛ بنابراین، مهم‌ترین شاخصه‌های ادبیات پایداری را می‌توان موارد زیر دانست:

۲-۱-۱- ظلم و ستم به مردم (استبداد و استعمار) و ترسیم آن

اگر از دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی که ادبیات پایداری بیشتر به استبداد داخلی توجه دارد، بگذریم، دیگر حرکات‌ها از سوی ایرانیان در واکنش به مداخلات خارجی صورت گرفته است. در بخش اعظم این دوره‌ها (مانند دوره نهضت‌های اولیه پس از ورود اسلام به ایران مانند نهضت شعوبیه، دوره قیام‌ها و اعتراضات و هجوم‌های خارجی مانند حمله مغولان و تیموریان و شکل‌گیری نهضت سریداران، جنگ‌های ایران و روس در عصر فتحعلی شاه قاجار و...)، شاعران و نویسندگان در فضای اختناق و سرکوب شدید، با سرایش شعر و نگارش داستان با توسل به اسطوره‌های ملی و مذهبی سعی می‌کردند تا احساسات مردم را نسبت به بیگانگان تحریک نمایند.

با شروع دوره مشروطه، صراحت بیان در نویسندگان و شعرای ایرانی به نسبت گذشتگان بیشتر گردید و شعرایی چون فرخی یزدی، ملک‌الشعراى بهار، میرزاده عشقی و... در این دوره با شعر خویش کوشیدند تا مبارزات سیاسی با ظلم و ستم شاهان قاجار را شکل تازه‌ای بخشند. از جمله مشخصه‌های این دوره، انتشار روزنامه و گسترش صنعت چاپ است که کمک موثری به نشر این آثار و فراگیر شدنشان می‌کند (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

از عصر مشروطه، بعد نظام عقیدتی جامعه دستخوش تحولات عمیقی می‌گردد و به موازات آن باورها و اعتقادات خیل کثیری از روشنفکران جامعه، دگرگون و به رنگ و روی تازه‌ای با صبغه کاملاً غربی آراسته می‌شود. توجه به نظام‌های غیر دینی و تمایل به گرایش‌های مارکسیستی از مظاهر بارز چنین تحولات عقیدتی به شمار می‌رود. تزلزل در بنیان‌های فرهنگی و دگراندیشی در مبانی اعتقادی و مطرح کردن دین به عنوان یک امر خرافی، حذف قید اسلام و سوگند به قرآن و... در دوران حکومت پهلوی با تکیه بر ارزش‌های استعماری و وابستگی شدید به فرهنگ، سیاست، اقتصاد، ارزش‌های اخلاقی و زندگی غربی (اعظم، ۱۳۷۹:

(۸۱)، ادبیات پایداری، را دگرگون می‌کند و از سطح شعرا به سطح مردم عادی انتقال می‌دهد؛ بنابراین، وجود فضای‌هایی مانند استبداد و اختناق، مردم را به مبارزه علیه آن (قیام) دعوت می‌کند و به این ترتیب ادبیات پایداری که آینه دردها، رنج‌مویه‌ها، شروه‌ها و مرثیه‌های مردم است، شکل می‌گیرد.

با تغییر سطح ادبیات پایداری، شاعرانویسی و نوشته‌های کوتاه (مانند دیوان‌نویسی و...)، نمودی بارز می‌یابند و مخالفت خود را با استبداد حکومت پهلوی و وابستگی به غرب اعلام می‌دارند. این شاعرانوشته‌ها و دیوان‌نویسی‌ها، همچنین آثار تولید شده (همراه با موسیقی و سرودهای خاص انقلابی) به احیای دین و مذهب و حقوق ملت ایران می‌پردازند و با مضامین عاشورا پیوند نزدیکی برقرار می‌کنند و به خوبی عمق نفرت مردم از نظام حاکم و دین‌ستیزی آن را به تصویر می‌کشند؛ بنابراین، شعرا سعی می‌کنند تا با محکوم کردن استبداد داخلی و حامیان آن و ستایش مجاهدان و ستم‌ستیزان راه آزادی، مردان و زنان مبارز را به حرکت خویش امیدوارتر سازند. آنان با ترسیم افق پیروزی و استفاده از عناصر حماسی، فرهنگی و ارزشی عاشورا، تلاش‌های حکومتی بر ضد قیام مردمی را کم‌رنگ‌تر ساخته و پیروی از رهنمودهای امام خمینی (ره) را متذکر می‌شوند.

«الا... ای محرم! / تو آن خشم خونین خلق خدایی / که از حنجر سرخ و پاک شهیدان برون زد / تو بغض گلوی تمام ستم‌دیدگان جهانی / که در کربلا، - نیمروزی - به یکباره ترکید / تو خون دل و دیده روزگاری / که با خنجر کینه‌توز ستم، بر زمین ریخت / تو خون خدایی که با خاک آمیخت / تو شبرنگ سرخی که در سال‌های سیاهی درخشید...» (محلثی، ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۴۱).

نرودا (شاعر شیلیایی) نیز از قلم یاری می‌جوید و مردم وطنش (و هر انسان آزاده) را به مبارزه علیه مستکبران و استعمارگران دعوت می‌کند: «سپیده دم دواتم را بیدار می‌کنم / و همگان را ندا می‌دهم / تا این راهبر خون‌آورد را نابود کنند / این دروغزن را / که فرمان داد تا از هوا و دریا / ملت‌هایی را به یکسره نابود کنند / مردمان عشق و خرد» (نرودا، ۱۳۸۴: ۲۸).

از آنجا که کشور ما هیچ‌گاه به صورت کامل مستعمره کشوری نبوده و فقط از آسیب‌های استعمارگران و دخالت‌های آنان در امور آن - که در دوران حکومت پهلوی نمود بارز می‌یابد - رنج برده است؛ اما شاعران پایداری و انقلاب ما در برابر دخالت‌های استعمارگران و ایجاد تفرقه در بین مسلمانان، به تحریک مردم بر علیه ظلم و ستم و دخالت‌های استعمارگران پرداخته‌اند و به این طریق با مردم ستم‌دیده جهان ابراز همدردی کرده‌اند.

محدثی خود را جوان فلسطینی‌ای می‌داند که از غرور و شور سرشار است و همیشه نشان صلح را به دیگران هدیه می‌کند. و همه را به پایداری و دفاع از حق و قیام بر علیه کفر دعوت می‌کند: «جوانی از فلسطینم/ به دستی شاخه زیتون/ - نشان صلح -/ و دست دیگرم بر ماشه گرم مسلسل‌های سنگینم/ - نشان کین -/ نبرد آتشین، دینم.../ همیشه بستم، شن زار و سنگستان خاک میهنم بوده‌ست.../ نمازم را به شب، آهسته می‌خوانم/ نمازی سرخ!/ نمازی رکعتش کوتاه، وردش، خون!/ اذانم، بانک شلیکم/ که از گلدسته سنگر/ سکوت خسته و وهم آور شب را به آتش می‌زند برهم...» (محدثی، ۱۳۸۰: ۱۹۷-۲۰۰).

۱-۲- دعوت به جهاد و مبارزه

قرآن کریم، همیشه مردم را به صلح دعوت و توصیه کرده است فقط زمانی که دیگری به عنوان متجاوز به حقوق شما تجاوز کرد، از آرمان‌ها و حقوق خود دفاع کرده و در راه خدا با آنها بجنگید. هدف غایی و علت حقیقی جنگ و دعوت به جهاد از دیدگاه اسلام، صلح است؛ بنابراین، مجاز بودن جنگ، صرفاً به منظور مقابله با ظلمی است که بر مسلمانان روا شده است و پیشگیری از چنین ستمی از طریق آمادگی تسلیحاتی، مذاکره سیاسی و مقابله نظامی امکان می‌یابد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۲).

شاعران پایداری همواره سعی می‌کنند تا در قالب واژگان، مردم را علیه دشمن متجاوز تهییج کنند و به نوعی با بیدار کردن حس نوع‌دوستی در مردم از آنها درخواست کمک کنند. قابل ذکر است که دعوت به جهاد و مبارزه همیشه با امر و دستور مستقیم همراه نیست؛ گاهی شاعر یا نویسنده با توصیفی که از

جامعه و شرایط سیاسی و اجتماعی آن ارائه می‌دهد، گویی فتوای مبارزه علیه دشمن را پنهانی صادر می‌کند. همچنین شاعران با اشاره به مظلومیت رزمندگان و تکیه بر دفاع از دین، میهن، ناموس و... و با توسل به اسطوره‌های ایرانی - اسلامی، مردم را به جهاد و به پیروی از تکبیر گویی فاتح فرا می‌خوانند: «ای ظفرمندان! ظفرمندان در سنگر به پیش / ای سواران سحر! گردان نام آور به پیش / جنگ - جویان دلاور! پیشتان دلیر / آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش / با سلاح کاری الله اکبر می‌روید / پیروان راستین فاتح خیر به پیش...» (مردانی، ۱۳۷۶: ۱۴۱).

از آنجا که ادبیات پایداری، دعوت کننده به قیام، ایستادگی و ایثار به صورت فریادی اعتراض آمیز است، شاعر در این شعر، علی‌رغم دعوت به جهاد، به پیوند عمیق دفاع مقدس و واقعه عاشورا اشاره می‌کند و تلاش می‌کند تا مظلومیت رزمندگان دفاع مقدس را همانند یاران امام حسین (ع) جلوه دهد که این رابطه موجب برانگیختن حس نوع دوستی و دفاع از برادر دینی در بین مردم می‌شود و ابراز همدردی با رزمندگان را به دنبال دارد.

«دیوار! دیوار سرد و سنگی سیار! / آیا رواست مرده بمانی / در بند آنکه زنده بمانی؟ / نه! / باید گلوی مادر خود را / از بانگ رود رود بسوزانیم / تا بانگ رود رود نخشکیده است / باید سلاح تیزتری برداشت / دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست...» (امین پور، ۱۳۹۰: ۳۸۲-۳۸۹). امین پور با نگاهی به سخن امام حسین (ع) در عاشورا و یادآوری افتخارات گذشته تاریخی - مذهبی، علاوه بر اینکه شهید شدن با افتخار را به زندگی در بند دنیا ترجیح می‌دهد؛ با اشاره به سوز و ناله مادر در غم فقدان فرزندش، حس دفاع از ارزش‌های زندگی را در مردم تحریک می‌کند و آن را راهی برای مبارزه با شر می‌داند. وی جنگ رانه در شکل ظاهری آن که سرشار از خشونت و خونریزی است، بلکه در ورای حس میهن پرستی و پایداری به تماشا می‌نشیند و به همین دلیل است که علی‌رغم همه تصاویر صریحی که از متن جنگ و خشونت در آن موج می‌زند، باز تردید خود را از جنگ ابراز می‌دارد.

آنگونه که ذکر شد «دعوت به مبارزه و قیام» یکی دیگر از موضوعات سروده‌های انقلاب و پایداری است که مورد استقبال ویژه شاعران معاصر انقلاب

و پایداری قرار می‌گیرد. بسیاری از ابیات و حتی مصراع‌های این اشعار در روزگار پر شور و حال انقلاب و تا مدت‌ها پس از آن، مورد اقبال علاقمندان و عامه قرار می‌گیرد و چه بسیار مردم که در اجتماع و تظاهرات از این اشعار بهره می‌جویند. این سروده‌ها تاثیر بسیار زیادی نیز بر روحیه مردم و به خصوص جوانان متعهد و پُر انگیزه می‌گذارد و آنان را به برخاستن و دفاع فرا می‌خواند. بدین طریق، ادبیات پایداری، چگونگی تاثیرپذیری و تاثیرگذاری بر روحیه افراد یک جامعه را به نمایش می‌گذارد. «شهید زنده تاریخ عشق می‌گوید/ به دارسرخ انالحق دوباره باید رفت/ بپوش جوشن آتش به تن سوار فلق/ که در مصاف خزان چون شراره باید رفت/ امیر قافله نور می‌دهد فرمان/ به عرصه گاه شهادت هماره باید رفت/ رسید لحظه موعود و نیست گاه درنگ/ به قاف واقعه بی استخاره باید رفت» (مردانی، ۱۳۷۶: ۳۵۸-۳۵۹).

۲-۱-۳- توصیف شهیدان و حفظ آرمان‌ها و ترویج راه آنان

موضوع ایشار و شهادت در سطح وسیع در ادبیات و تاریخ و فرهنگ ما دیده می‌شود و دفاع مقدس، منجر به رواج مفاهیم ارزشی از قبیل فرهنگ ایشار و شهادت و ستایش جان‌باختگان و شهیدان این راه در میان مردم به ویژه جوانان می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز و منحصر به فرد انقلاب اسلامی در بعد معنوی و فرهنگی که موجب بالندگی انقلاب و نهضت جهانی اسلام در سراسر دنیا گردید، همین ترویج فرهنگ ایشار و شهادت و ستایش شهیدان بوده است. شهادت موجب اشاعه فرهنگ ناب محمدی (ص) و دفع هشیارانه خطرات از جامعه اسلامی می‌شود. همچنین افتخار به شهادت و شکل‌گیری مفهومی خاص به نام شهید، چنان پایه مستحکمی در جامعه پیدا کرده که امروزه به عنوان یکی از ارکان حفظ نظام محسوب می‌گردد. بنابراین مبارزان راه آزادی و ایشارگرانی که هستی خود را به میدان نبرد آوردند و در شکنجه‌گاه یا میدان مبارزه جان باختند، نماد عظمت و افتخار و الگوی فداکاری برای دیگران محسوب می‌شوند.

از مهمترین راه‌های شناخت و ترویج فرهنگ ایشار و شهادت و توسعه معنویت در جامعه، پاسداشت فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس، گرامیداشت یاد

شهدا و ستایش راه و روش آنان، احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تقویت ایمان و... است (رستمی، ۱۳۸۲: ۲۵). آنچه باعث بقای اسلام و نظام اسلامی می‌شود، تکیه بر فرهنگ ایثار و شهادت و قدردانی از شهیدان این راه است و این فرهنگ برگرفته از فرهنگ عاشورا و سیره ائمه (ع) بوده و می‌بایست به آن توجه ویژه‌ای داشت. آشنا کردن جوانان با نهضت عاشورا و فرهنگ شهادت و راه و روش شهیدان، بهترین شیوه برای توسعه معنویت در جامعه اسلامی ایران و دیگر جوامع اسلامی است و بدین طریق می‌توان به مقابله با جنگ نرم دشمن برخاسته و توطئه‌های آنان را خنثی کرد.

شاعران و نویسندگان ادبیات پایداری در آثار ادبی، علاوه بر راه و شیوه ایثار-گری شهیدان، مرگ و شهادت آنان را نیز می‌ستایند؛ چرا که در اسلام کشته شدن آگاهانه در راه خدا - که در راستای گسترش اهداف الهی و اسلامی است - بارها مورد تأکید قرار گرفته است. به همین دلیل قرآن کریم به ستایش شهیدان می‌پردازد و می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹)، کسانی را که در راه خدا شهید شده‌اند، مرده مپندارید، بلکه زنده و جاودانند و نزد خدای خود روزی می‌خورند.

یاد شهدا و زنده نگه داشتن نام و راه آنان، از رایج‌ترین مضامین شعر دفاع مقدس است. شاعران پایداری نیز با بهره‌گیری از آیات قرآن، شهیدان را زندگان جاوید معرفی می‌کنند که نه تنها هیچ هراسی از مرگ ندارند؛ بلکه برای رضای الهی، عاشقانه جنگیدن آنان علیه باطل را به نمایش می‌گذارند: «چه هراسش از مرگ؟ / - مرگ در راه هدف / - و چه بیم از مردن، / یا که از کشته شدن؟ / و جز این نیست که یک فرد شهید / زنده‌ای جاوید است / زنده‌ای در دل‌هاست / زنده‌ای در دل اعصار و قرون» (محدثی، ۱۳۸۰: ۲۶۵).

سلمان هراتی نیز در شعر نیمایی «دستور» با بیانی ساده و با تشبیهاتی زیبا، شهید را چون رود سرخی دانسته که در ابدیت جاری و ساریست و ماندگار «و نهاد/ بخشی از جمله که درباره آن می‌شنویم/ و گزاره، خبر است/ مثل این جمله: شهید/ رود سرخی است که تا/ ابدیت جاری است» (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۵۸).

سلمان، همچنین شهدا را بهار جاودانی می‌داند که گرمی وجودشان چون خورشید، همیشگی است و همیشه گل می‌دهند: «شهدان یک بهار جاودانند/ که چون خورشید گرم و مهربانند/ میان دفتر نقاشی ما/ به یک لبخند صد گل می‌فشانند» (همان: ۳۸۴).

حسینی در وصف مقام شهدا، تعبیراتی چون «دست بر سر خصم کشیدن»، «بوسه بر گردن کفار زدن خنجر» و «فراری دهنده دشمن» را برای رزمندگان و شهیدان وطن به کار می‌برد و صفاتی چون «عربده‌جو»، «فتنه‌گر» و «بد گهر» را برای دشمن به کار می‌گیرد و به این طریق مقام و راه شهیدان را پاک و بحق جلوه می‌دهد و آنان را همیشه بر شر و کفار پیروز می‌داند: «خصم بعثی که بود فتنه‌گر و عربده‌جو/ باده مرگ کشد دم‌به‌دم از ساغرتان/ تیغ‌تان دست نوازش به سر خصم کشد/ بوسه بر گردن کفار زند خنجرتان/ خود به هنگامه پیکار چه تدبیر کند؟/ گر فراری نشود دشمن بد گوهرتان» (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۵).

شاعر با نشان دادن مظلومیت شهیدان و مقام والای آنان، با حسی نوستالژیک گونه به توصیف شهیدان و مقامشان می‌پردازد و به این طریق ضمن نگه داشتن یاد آنان، در وادی حسرت و دلتنگی گام نهاده است. او شهیدان را الگوی عظمت و افتخار ملت معرفی می‌کند و آنان را مردانی عاشق راه حق و گمنامانی می‌داند که بهترین حماسه را خلق کرده‌اند و راهشان الگو و امیدی برای آیندگان است. «مرا کشت خاموشی لاله‌ها/ دریغ از فراموشی لاله‌ها/ کجا رفت تاثیر سوز و دعا/ کجایند مردان بی ادعا/ کجایند شورآفرینان عشق/ علم‌دار مردان میدان عشق/... همانان که از وادی دیگرند/ همانان که گمنام و نام‌آورند» (قزوه، ۱۳۷۲: ۶۴).

یکی دیگر از روش‌های ستایش شهیدان و حفظ راه آنان و همچنین ترویج و انتقال این فرهنگ به نسل‌های آینده انقلاب، به نگارش در آوردن خاطرات رزمندگان دوران دفاع مقدس است؛ چرا که با نگارش است که می‌توان این فرهنگ و اندیشه‌ها، باورهای رزمندگان را نه تنها در زمان خود؛ بلکه برای آیندگان ماندگار کرد و به نسل‌های بعد منتقل نمود. خاطره‌نویسی یا شعرهای خاطره‌گون «به بازتاب حوادث، حالات و ماجراهایی می‌پردازند که بنا بر وقوف و

شهود و حضور شاهدان و حاضران میدان‌های نبرد، در زمان‌های معلوم واقعه‌ها و رخدادها روایت می‌شوند» (کمری، ۱۳۸۱: ۱۶). خاطرات دفاع مقدس از این جهت مهم و ارزشمند به حساب می‌آیند که آنها را شاهدان و حاضران جبهه و جهاد خلق می‌کنند و در بین سایر آثار دفاع مقدس و ادب پایداری، تشخیص ویژه‌ای دارند؛ بنابراین، زمانی می‌توانیم تجربیات و دستاوردهای دوران دفاع مقدس را به آینده‌گان و نسل‌های بعد منتقل کنیم و آنها را برایشان تبیین نماییم که همه خاطرات و عملکردها مکتوب شده باشند. در غیر این صورت؛ این خاطرات در اثر گذشت زمان به بوتۀ فراموشی سپرده می‌شوند و با درگذشت رزمندگان و مجاهدان دوران دفاع مقدس، خاطرات نیز محو می‌شوند که در این صورت دیگر برای آینده‌گان نکته‌ای قابل ذکر در مورد تبیین دستاوردهای دفاع مقدس نخواهیم داشت. شعرهای خاطره‌گون و روایی به دلیل برخورداری از عناصر و ویژگی‌هایی که خاطرات منشور از آنها برخوردار نیستند، اهمیت بسیار زیادی دارند و توجه به اینگونه اشعار یکی از راه‌های انتقال فرهنگ شهادت به جوانان است؛ اما باید این نکته را مدنظر داشت که خاطرات و توجه به آنها، جای کتب خلاق در مورد دوران دفاع مقدس را نگیرند و خاطرات بخشی از آثار تولید شده درباره جنگ تحمیلی باشند.

۲-۱-۴- القای امید به آینده (ظهور منجی) و پیروزی موعود

بزرگترین خطری که هر جامعه را تهدید می‌کند و سقوط و انحطاط آن را قطعی می‌سازد، یاس و ناامیدی از رسیدن به کمال و سعادت است. اگر این بیماری خطرناک به ذهن و اندیشه جامعه و به خصوص جوانان سرایت کند، می‌تواند به راحتی آن جامعه را به قهقرا و نابودی بکشانند. این خطر، امروزه بیشتر از گذشته جوامع انسانی را تهدید می‌کند و بشر امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی، نتوانسته به منشور سعادت خود دست یابد و حتی بیشتر از گذشتگان خود، احساس سرگردانی و ناامیدی می‌کند؛ اما نقطه مقابل این ناامیدی، «انتظار و باور عمیق و قلبی به فرا رسیدن و ظهور موعود و سامان یافتن اوضاع پریشان بشر است» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۸۷). اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای

عام خود یک باور دینی فراگیر بین انسان‌ها بوده است. در ادیان مختلف، چنین اعتقادی به نحو ملموس و بارزی تجلی یافته است و منجی با تعبیر مختلفی چون «مسیح» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت «حضرت مهدی (عج)» در فرهنگ اسلامی یاد شده است. باور به وجود منجی و رهایی-بخش و تشکیل جامعه آرمانی که الگوهای معنوی و مینوی بر آن حاکم باشد در ادبیات آرمان‌شهری^۲ و تعلیمی جهان اهمیت بسزایی دارد؛ بنابراین شاعران و نویسندگان در هر جامعه نسبت به این موضوع واکنش نشان داده و این مسئله مهم را در آثار خود بازتاب داده‌اند.

انتظار موعود یکی از موضوعات محوری حوزه ادبیات پایداری است که شاعران و نویسندگان مختلف پس از انقلاب اسلامی با الهام از آموزه‌های آن، آثار ادبی گوناگونی را با محوریت انتظار خلق کرده‌اند. در آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان ادبیات پایداری انقلاب اسلامی مانند امین‌پور، صفارزاده، هراتی و... این رسالت با بهره‌گیری از وعده‌های قرآنی صورت می‌گیرد، «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...» (انفال: ۳۹): با کافران جهاد کنید تا در زمین فتنه و فساد نماند و آیین همه دین خدا گردد. البته سایر شاعران و نویسندگان نیز به شیوه‌های دیگر می‌کوشند مردم را به پیروزی نهایی حق بر باطل امیدوار سازند.

بنابراین، ارتباط بین آموزه‌های دینی در خصوص انتظار و ویژگی‌های عصر ظهور با اشعار انقلاب اسلامی بسیار مشهود و قابل توجه است. آنان با داشتن ایمان به حضور حضرت مهدی (عج) و باور به امداد رساندن از سوی ایشان در مشقت‌ها و امیدواری به لطف و عنایت و حتی حضور او، و نیز با تلفیق و در آمیختن گذشته، حال و آینده با اتکا بر سه عنصر تاریخ اسلام (حادثه عاشورا)، حالات و رویدادهای حال (جبهه) و آینده (ظهور منجی)، ادبیات پایداری خاصی را در آثارشان رقم می‌زنند؛ به این ترتیب، شاعران ادبیات پایداری، آرمان‌شهر خود را در جامعه‌ای که در آن، ظهور منجی تحقق می‌یابد، جست‌وجو می‌کنند.

در تفکرات مسلمانان (و دیگر ادیان)، امید به آینده‌ای درخشان توأم با عدالت اجتماعی همواره وجود داشته است. غنی‌ترین پشتوانه فکری چنین نظریه-ای، احادیث و اخباری است که در آنها ظهور حضرت مهدی (عج) را در آخر-الزمان بشارت داده‌اند. «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طول می‌دهد، تا آنکه مردی از خاندان من ظهور کند و دنیا را همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است، لبریز از عدل و داد نماید» (صافی، ۱۳۷۳ق: ۲۴۷). مسلمانان بر این باورند که تاریخ بشری به رغم فراز و نشیب‌ها، پایانی خوش دارد و با ظهور حضرت مهدی (عج) کار جهان به سامان می‌آید و آدمی به رستگاری دست می‌یابد. نکته مهم و قابل ذکر در مورد تفاوت اساسی نظریه ظهور حضرت مهدی (عج) و آرمان‌شهر در آن است که آرمان‌شهر به عنوان یک کهن‌الگو، ریشه در اساطیر کهن دارد و یا از تخیل فرهیختگانی چون شاعران، نویسندگان و دیگر هنرمندان و فلاسفه و تاملشان در اوضاع و احوال روزگارشان حاصل می‌شود (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸). اما حکومت حضرت مهدی (عج) وعده‌ای مقدّر است که بر اخبار و احادیث استوار است و مسلمانان آن را امری محتوم و محقق‌شدنی در آینده می‌دانند. نکته دیگر این است که آرمان‌شهر تخیلی شاعران و جامعه موعود از این لحاظ به یکدیگر نزدیک‌اند که در هر دوی آنها، مردم در رستگاری کامل زندگی می‌کنند و هیچ اثری از رنج، بیماری و امثال اینها نیست. همچنین در نظر شاعران و نویسندگان، جامعه موعود تا به امروز محقق نشده است و از آن به عنوان آرمان‌شهر یاد کرده‌اند و در انتظار بروز چنین جامعه‌ای هستند.

مهدویت عنصر امیدبخش و مهمترین خاستگاه عملی-فکری مسلمانان برای مبارزه با منجیان دروغین و ساختگی و بهترین شیوه برای توسعه معنویت در جامعه اسلامی ایران و دیگر جوامع اسلامی است. بدین طریق، می‌توان به مقابله با «جنگ نرم» دشمن برخاسته و ظهور منجی دروغین را خنثی ساخت. توجه به این مقوله مهم با هویت قدسی، برترین اصل برای کسب رشد اجتماعی انتظار محسوب می‌شود و مقاومت و پویایی جامعه را به دنبال دارد؛ چرا که ریشه در قدرت، صبر، استقامت و مبارزه با کفر دارد و این عوامل در مجموع، مقاومت جامعه را بالا برده

و اجتماع را پویا می‌سازد؛ بنابراین، آشنایی جامعه با آثار شاعران و نویسندگان پایداری علی‌رغم وجود یأس و سرخوردگی در دنیای مدرن، مردم را به پایداری دعوت و به روشنایی افق فردا امیدوار می‌سازد. شاعرانی که می‌کوشند با نوید دادن شکست حتمی ستمگران و پیروزی عدالت‌جویان، بارقه‌امید را در قلب‌ها روشن نگه دارند.

طاهره صفارزاده از شاعران انقلاب اسلامی است که انتظار موعود در اشعارش موج می‌زند. او در شعر «پیشواز» ابتدا به علائم ظهور منجی می‌پردازد: «باران سنگ است / پیش از دمیدن موعود / باران تیز پری خواهد آمد / که میوه‌ها همه را خواهد پوساند... / باران خشم / طلوع هرج و مرج جهان / همه... / همراهند» (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۴۰) و سپس ظهور موعود را حتمی می‌داند و آرمان‌شهرش را در جامعه‌ی پر از عدل و داد و حکومت اسلامی حضرت مهدی (عج) پی‌ریزی می‌کند که در آن حق بر باطل پیروز می‌شود و بساط شرّ و آثار کفر از جهان بر چیده خواهد شد: «و جنگ جاودانه حق / به پیشواز محو ستم‌ها / به پیشواز آمدن عدل / به پیشواز آمدن اوست» (همان: ۴۱).

جنبش، جوشش و حرکت، درسی است که سلمان‌هراتی از انتظار مصلح می‌گیرد و در شعر خویش انعکاس می‌دهد؛ در حقیقت، امید به ظهور منجی به حرکت‌ها دامن می‌زند و شور و هیجان در راه رسیدن به مقصود و اصلاح امور را موجب می‌گردد. وی با پرداختن به تصویری از عظمت و شکوه ظهور منجی، مخاطب را از عمق و صلابت آن با خبر می‌کند و می‌خواهد با این تصویر، ضرورت و حتمی بودن انتظار و جامعه‌ی عاری از ظلم و ستم (آرمان‌شهر) بیان کند: «ای مقتدای آب-های آشوب / در روزگار جسارت مرداب / و گستاخی قارچ‌های مسموم / طوفان آخرین / که بر گستره خاک خواهد گذشت» (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۱).

۲-۱-۵- ستایش آزادی و آزادگی و القای روحیه امید

انسان در زندگی جویای آزادی است و تن به در بند بودن نمی‌دهد؛ چرا که آزادی و وارستگی و نپذیرفتن ذلت، یکی از اهداف والای انسانی است که زندگی را تحت شعاع خود قرار می‌دهد و آن را معنادارتر می‌کند؛ بنابراین،

مبارزه برای آزادی از بنیان‌های شکل‌گیری ادبیات پایداری است و روحیه آزادی و آزادگی طلبی، یکی از مفاهیم ارزشمندی است که هر انسان آزاده‌ای برای آن احترام والایی قائل است و تا اوج فداکاری از حریم آن پاسداری می‌کند. هرگاه قدرتمندی در پی آن باشد که بخواهد این موهبت الهی را از انسان باز ستاند، در برابر او ایستادگی کرده و همواره در جست‌وجوی آن، مرگ را به جان می‌خرد و توصیه می‌کند پس از مرگ، جسدش را در صحرا (نماد رهایی و گسترده‌گی) بیفکنند و هرگز در قبر (به دلیل شباهت آن به زندان) قرار ندهند (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۷).

ژاله‌اصفهانی شاعر امید و ستایشگر آزادی است. وی با بیان احساسات عمیق، مبارزان و مردم سرزمین خود را با القای روحیه امید در وجودشان، آنان را از خمودی و سستی باز می‌دارد و به پایداری دعوت می‌کند و رسیدن به پیروزی را به آنان مژده می‌دهد: «ای بارور درخت / گر باد سرد آمد و پژمرده برگ‌ها / چون قطره‌های اشک ز چشم تو ریختند / برخیز و باز کن... / بر خصم آزمند... / تو در انتظار باش / در انتظار پرچم سبز بهار باش» (ژاله‌اصفهانی، ۱۳۸۴: ۶۳).

از نظر او «آزادی» درختی جاودانه است که همیشه سرسبز و زنده است و نه تنها در مقابل باد مخالف نمی‌شکند؛ بلکه سبزتر و پربارتر می‌شود: «درخت آزادی، چه جاودانه درختیست سبز و معجزه‌گر / که هر چه باد مخالف بر او هجوم آورد / بلندتر شود و برگ و بارش افزون‌تر» (همان: ۵۸۹). شاعر، تمام هستی خویش را فدای آزادی می‌کند و در دم مرگ، با شنیدن ندای آزادی، زندگی‌اش را دوباره از سر می‌گیرد: «هستی من فدای آزادی / حاضرم زندگانی خود را / نو بهار جوانی خود را / عشق و امید و آرزویم را / افکنم پیش پای آزادی... / در دم مرگ در دم آخر / خیزم و زندگی ز سر گیرم / بشنوم، گر ندای آزادی» (همان: ۲۰۰).

۲-۱-۲- بیان بیدادگری‌ها و اعتراض به ضد ارزش‌ها

یکی دیگر از موضوعات محوری ادبیات پایداری، بیان جنایت‌ها و ایستادگی در برابر بیدادگری‌هاست. بی‌عدالتی و قیام علیه آن، دو قطب ناهمگون ادبیات

پایداری هستند و مردمانی برای احیای حقوق خود به قیام برمی خیزند و جان خود را در این راه فدا می کنند.

ژاله اصفهانی به بیان بیدادگری‌ها و جنایات رژیم پهلوی در ایران می‌پردازد که با اسارت روشنفکران و آزادی خواهان، ترس، وحشت و اختناق را بر جامعه حاکم کرده است. وی در شعر «داغ‌گاه» از شیوه نماد بهره می‌گیرد و شب را نماد استبداد، ظلم و ستم، و سحر را نماد آزادی و رهایی می‌داند: «غول شب، روی سیه شسته به قیر / خفته در نای سحر بانگ خروس / یکه‌تاز شب تار / ... داغ‌گاهی است دلم / داغ‌گاهی است سراسر وطن / همه جا خدعه و خون / همه جا ترس و سکون...» (ژاله اصفهانی، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

شاعر پایداری آگاه به زمان خود است و پیرامون خود را به خوبی می‌نگرد و در مقابل حوادث و آنچه در اطرافش اتفاق می‌افتد، عکس‌العمل نشان می‌دهد و بر همین اساس آنجا که باید فریاد بزند و اعتراض کند، کوتاه نمی‌آید و زبان به اعتراض می‌گشاید. همین باعث می‌شود تا برخی از شاعران پایداری در آثار خویش زبان به شکوه و اعتراض به فراموش کردن روزگار پر مخاطره و دلاوری‌های شهیدان، بی‌اعتنایی مالکان سکه و زر نسبت به محرومان جامعه و همچنین رها کردن و فراموش کردن اصالت و هویت جامعه می‌گشایند و نسبت به از بین رفتن ارزش‌های شایسته هشدار می‌دهند. در بین شاعران انقلاب و پایداری «طاهره صفارزاده» و «علیرضا قزوه» از طلایه‌داران شعر اعتراض‌اند؛ همچنین شاعران دیگری چون جواد محدثی، محمد کاظم کاظمی، هراتی، امین‌پور و حسینی در همین دوره، شعر اعتراض را با نگرشی خاص دنبال می‌کنند (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۴۱ و کافی، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

جنبه‌ای از شعر اعتراض به قدرت یافتن صاحبان زور و بی‌اعتنایی به محرومان جامعه اشاره می‌کند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جهت تحول معنوی که در جامعه و نگرش مردم ایجاد شده بود. برخی از افراد متعهد جامعه به یاری ستم-دیدگان و محرومان برخاستند و گروهی دیگر علی‌رغم توان بالای مالی، بی‌اعتنا از کنار محرومان گذشتند و از درک این واقعیت کاملاً بیگانه بودند. در راستای

این جریان، اشعار بسیاری در قالب اعتراض و با بیانی صریح و بی‌پرده در هجو این گروه توسط شاعران سروده می‌شود که آنان را ریاکار و غافل از ارزش‌ها و هویت انسانی می‌دانند: «ای قاتلان عاطفه! اینجا چه می‌کنید؟/ اینجا که خاک پای شهیدان غربت است/ وقتی بهشت را به زر سرخ می‌خرید/ چشمانتان شکاف تنور قیامت است!/ منت چه می‌نهد که عمق نمازتان/ خمیازه‌ای به گودی محراب راحت است!» (قزوه، ۱۳۷۲: ۳۵-۳۶).

قزوه همچنین با زبانی اعتراضی به توصیف و مذمت اهل ریا و فرصت‌طلبان می‌پردازد: «از نخلستان تا خیابان/ از چار راه درد گذشتم/ از چار راه فقر/ که اعتراض ابوذر مرا به خود آورد/ چرا شریح قاضی‌ها رسوا نمی‌شوند؟» (همان: ۱۱۰).

جنبه دیگر شعر پایداری، اعتراض به فراموشی روزهای جنگ و پایداری، رشادت‌های رزمندگان و شهیدان است. در این گونه اعتراض، شاعر بی‌هیچ پروایی و با لحنی تند، نسبت به از یاد رفتن شهیدان و جان‌فشانی‌های آنان و همچنین با نارضایتی از وضع موجود زبان به اعتراض می‌گشاید. قزوه در سروده‌های اعتراضی خود، خاطرات زنده شهید را مرور می‌کند و با آنانی که این ارزش‌ها را نادیده گرفته‌اند، با بیانی صریح و اعتراض آمیز واقعیات موجود را بازگو می‌کند: «دسته گل‌ها، دسته دسته می‌روند از یادها/ گریه کن ای آسمان در مرگ طوفان- زاده‌ها/ سخت گمنامید اما ای شقایق سیرتان/ کیسه می‌دوزند با نام شما شیادها!/ غیر تکرار غربی، هان چه معنا می‌کنید/ غربت خورشید را در آخرین خردادها؟» (قزوه، ۱۳۷۲: ۳۹-۴۰).

شاعر در ادامه ارادت خود را به شهیدان بازگو می‌کند: «هان! بکوب اما به آن عاشق‌ترین عاشق بگو/ زنده‌ای ای زنده‌تر از زندگی! در یادها» (همان: ۵۰).

پس شاعر با افتخار، شهیدان را دوست می‌دارد و با خاطرات پربار آنان زندگی می‌کند؛ بدین ترتیب از اندوه خود - نسبت به فراموشی ارزش‌های شهیدان - می‌کاهد و آنان را به نسل‌های آینده معرفی می‌کند: «مثل دریا ناله سر کن در شب طوفان و موج / هیچ چیز از ما نمی‌ماند مگر فریادها» (همان: ۴۰).

از دیگر نمودهای شعر اعتراضی در شعر شاعران پایداری می‌توان به اعتراض بر بی‌دردی «وقتی جنوب را / بمباران می‌کردند / تو در ویلای شمالی‌ات / برای حل کدام جدول بغرنج / از پنجره به دریا / نگاه می‌کردی» (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۸) و دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌ها اشاره کرد: «بیا به آینه، قرآن، به آب برگردیم / بیا به اسب، حماسه، رکاب برگردیم / به دست‌های پر از پینه، سفره‌های تهی / به حرف اول این انقلاب برگردیم» (محدثی، ۱۳۷۵: ۳۵).

۳- نتیجه‌گیری

شاعران ادبیات پایداری به ترویج مهمترین مولفه‌های پایداری می‌پردازند؛ مولفه‌هایی همچون مبارزه با ظلم و ستم، دعوت به مبارزه و جهاد، ستایش آزادی و آزادگی، القای امید به آینده (ظهور منجی) و پیروزی موعود. آنها برای قیام علیه بی‌عدالتی و ستم، ترویج صلح و عدالت، این مولفه‌ها را با تکیه بر عناصر مهمی چون ادبیات پایداری، حفظ فرهنگ عاشورا و مهدویت در آثار خود منعکس می‌کنند.

از آنجا که شعر واکنشی طبیعی و ذاتی شاعر است که از دل و روح او برمی‌آید و تاثیر بسزایی در مخاطبان می‌گذارد. شاعران پایداری نیز با ترسیم و توصیف صحنه‌های جهاد، ایثار و شهادت‌طلبی، فرهنگ عاشورا و توجه به مسأله مهدویت تلاش کرده‌اند تا مردمانی با بصیرت و بینش اسلامی تربیت کنند و این گونه به نبرد با جنگ نرم دشمن برخیزند؛ بنابراین آشنایی مردم جامعه با ادبیات پایداری، می‌تواند نقش مهمی در حفظ فرهنگ اسلامی در مقابله با جنگ نرم دشمنان داشته باشد.

زنده نگه داشتن یاد شهدا، حفظ فرهنگ عاشورایی (فرهنگ ایثار و حفظ روحیه شهادت‌طلبی) و حفظ ارزش‌ها با تکیه بر مبانی اسلامی - اعتقادی به عنوان میراثی گرانسنگ، در مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی مستکبران به کار گرفته می‌شوند؛ در نتیجه، ترویج این مولفه در جامعه و مشاهده کارکردهای مثبت آن، در گرو داشتن باور عمیق و اندیشه بلند است؛ همچنین می‌بایست چنین

تفکری را با سازوکارهای مناسب مانند زنده نگه داشتن عاشورا و یاد شهیدان و رزمندگان ممالک اسلامی در آثار ادبی، به صورت عمیق در بین مردم نهادینه کرد.

مهدویت، مهمترین خاستگاه عملی-فکری مسلمانان برای مبارزه با منجیان دروغین و ساختگی است. این مقوله مهم با هویت قدسی خود، توانایی سرشاری را در متأثر کردن نهادهای اجتماعی و ساختارهای سیاسی و فرهنگی جامعه داراست. بی شک، این فرهنگ، برترین اصل برای کسب رشد اجتماعی است و مقاومت و پویایی جامعه را به دنبال دارد؛ چرا که ریشه در قدرت، صبر، استقامت و مبارزه با کفر دارد و مقاومت جامعه را بالا می برد و پویا می کند؛ در نتیجه آشنایی با آثار شاعران پایداری، افراد جامعه را به آینده امیدوار می کند.

یادداشت‌ها

۱. در برخی از نواحی جنوب، به معنای فرزند است.
۲. آرمان شهر - ناگجا آباد یا مدینه فاضله - معادل واژه «اتوپیا» (Utopia) یونانی است. این واژه (اتوپیا) از دو جزء (Uo) «او» به معنای «هیچ و نه» و (Topos) «توپوس» به معنای «جا و مکان» ساخته شده و به معنای «لامکان، هیچستان و ناگجا آباد» است. (Webstre, 2012: 730).

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۷)، *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
۳. ادیبی سده، مهدی. (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، چاپ سوم، تهران: سمت و دانشگاه اصفهان.
۴. ازغندی، سیدعلیرضا. (۱۳۸۶)، *جنگ و صلح: بررسی مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*، چاپ دوم، تهران: سمت.
۵. اصیل، حجت‌الله. (۱۳۸۱)، *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*، چاپ دوم، تهران: نی.
۶. اعظم، فراز. (۱۳۷۹)، *دین‌ستیزی در عصر پهلوی*، چاپ اول، تهران: جهان-کتاب.
۷. امین پور، قیصر. (۱۳۹۰)، *مجموعه کامل اشعار*، چاپ هشتم، تهران: مروارید.

۸. تندرو صالح، شاهرخ. (۱۳۸۲)، **نسترن‌های سوخته**، تهران: برگ.
۹. حسینی، سیدحسین. (۱۳۸۶)، **هم‌صدا با حلق اسماعیل**، چاپ سوم، تهران: سوره‌مهر.
۱۰. رستمی، پرستو. (۱۳۸۲)، **تاثیر وجود فرهنگ شهادت‌طلبی در حفظ دین و ارزش‌های دینی**، تهران: دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب.
۱۱. ژاله اصفهانی، مستانه سلطانی. (۱۳۸۴)، **مجموعه اشعار**، چاپ اول، تهران: نگاه.
۱۲. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹)، **ادبیات دفاع مقدس**، چاپ اول، تهران: صریر.
۱۳. صافی، لطف‌الله. (۱۳۷۳)، **منتخب‌الاثار**، چاپ دوم، قم: السیره‌المعصومه.
۱۴. صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۶)، **دیدار صبح**، چاپ اول، تهران: نوید.
۱۵. قزوه، علیرضا. (۱۳۷۲)، **از نخلستان تا خیابان**، چاپ سوم، تهران: حوزه هنری تبلیغات اسلامی.
۱۶. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹)، **شناخت ادبیات انقلاب اسلامی**، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۷. کمری، علیرضا. (۱۳۸۱)، **یادنامه** تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت.
۱۸. محدثی، جواد. (۱۳۸۰)، **برگ و بار** (گزیده اشعار)، چاپ اول، قم: بوستان کتاب قم.
۱۹. محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸)، **شعر آیینی و تاثیر انقلاب اسلامی بر آن**، چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۲۰. محدثی، مصطفی. (۱۳۷۵)، **هزار مرتبه خورشید**، تهران: برگ.
۲۱. محمدی‌روزبهبانی، محبوبه. (۱۳۸۹)، **قسم به نخل قسم به زیتون**، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۲. مردانی، نصرالله. (۱۳۷۶)، **منظومه شهادت**، چاپ اول، تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی و شاهد.
۲۳. محمودی، سهیل. (۱۳۶۹)، **فصلی از عاشقانه‌ها**، چاپ اول، تهران: همراه.
۲۴. نرودا، پابلو. (۱۳۸۴)، **انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی**، ترجمه فرزانه سلیمانی و احمد کریمی‌حکاک، چاپ سوم، تهران: چشمه.
۲۵. هراتی، سلمان. (۱۳۸۰)، **مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی**، چاپ سوم، تهران: دفتر شعر جوان.